

## تأثیرات گجراتی در زبان اوستایی

پروفسور ولادیمیر ایوانف

دانشگاه مسکو

زبان اوستایی در اواسط هزاره دوم قبل از میلاد در منطقه فلات ایران رایج بود. زردشت گات‌ها را به این زبان سروده است و به احتمال قوی او خود نخستین کسی بوده که این گات‌ها را آهنگین می‌خوانده است. موسیقی‌دانان ایرانی موافقند که خواندن اوستا با موسیقی سنتی ایرانی هم‌ریشه، و تقریباً در یک دوران تاریخی شروع شده است. تغییر تلفظ زبان اوستایی را می‌شود به قرار ذیل نشان داد (نک نمودار ۱). در مرحله اول (۱) در زبان اوستایی فقط واکه‌های معمولی بدون آهنگ ادا می‌شد. در مرحله دوم (۲) به احتمال قوی برای اینکه متون مقدس از یک طرف تأثیر بیشتری در شنوندگان داشته باشد و از طرف دیگر محکم‌تر در حافظه طرفدارانش باقی بماند، شاید بعضی از مشخصات جدید مطابق تئوری گفتار آهنگین (Speech Vocal) به واکه‌های اوستایی اضافه شده باشد.

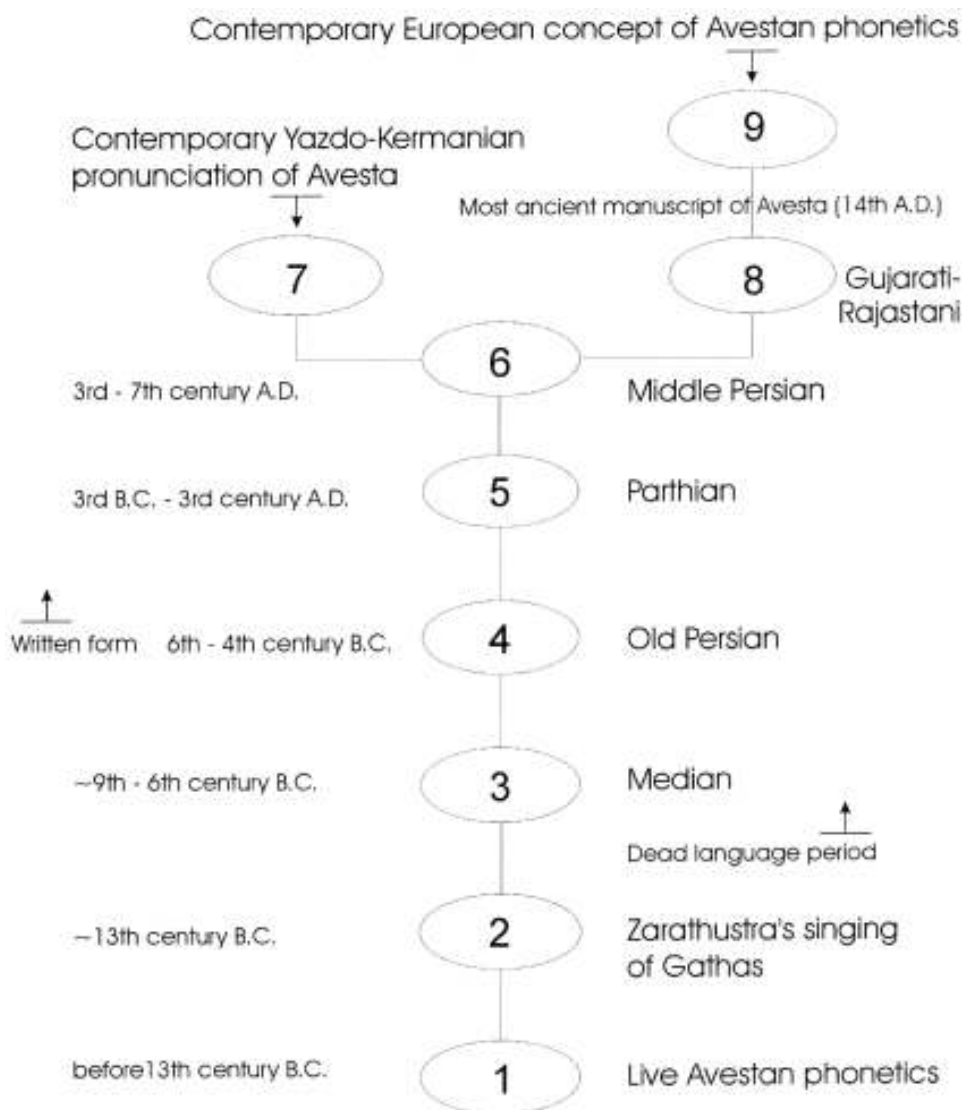
متخصصان آواشناسی معتقدند که استفاده از آهنگ در زبان موجب تغییرات قابل ملاحظه‌ای می‌شود؛ مثلاً، خوانندگان حرفه‌ای اپرا هیچ‌گاه واکه‌های i و u را با کشش نمی‌خوانند، زیرا این

واکه‌ها بسته‌اند و نمی‌توان آنها را بلند ادا کرد. متون اپرا نیز طوری سروده می‌شوند که فقط واکه‌های باز مانند o, e و a کشش داشته باشند.

شاید در این مرحله، واکه‌های ē و ō به نظام آوایی زبان اوستایی اضافه شده باشد که در پارسی باستان وجود نداشته است؛ اوستاشناسان روسی این تغییرات را خارج از قواعد ریشه‌شناختی می‌دانند و یا ممکن است واکه‌های مذکور در مرحله ۸ به نظام آوایی آن زبان اضافه شده باشد که درباره این موضوع دوباره توضیح داده خواهد شد.

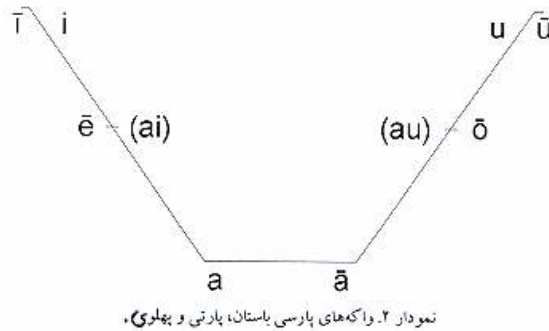
از مرحله ۳ به بعد زبان اوستایی خصلت زنده بودن خود را از دست می‌دهد؛ بدان گفتگو نمی‌شود و تنها برای خواندن متون مقدس به‌کار می‌رود. چون از زبان مادها (قرون ۹-۶ قبل از میلاد) شواهد کتبی در دست نیست، وصف تغییرات آن زمان در نظام آوایی و طرز خواندن اوستا بر اثر تأثیر زبان مادی مشکل است.

برعکس به‌علت داشتن اطلاعات کافی در مورد مراحل ۴، ۵ و ۶ ما قادر هستیم به‌خوبی تصور کنیم که در این دوران نظام آوایی زبان اوستایی چه وضعی پیدا کرده بود. طبیعی است که موبدان و دستوریان آن زمان برای آموزش و ترویج آن زبان ناگزیر از قواعد آوایی زبان خود پیروی می‌کردند. به‌طور مشابه کشیش‌های آمریکایی از واکه‌های انگلیسی برای خواندن متون لاتین و کشیش‌های ارتودوکس از واکه‌های روسی برای خواندن متون اسلاوی باستان استفاده می‌کنند.



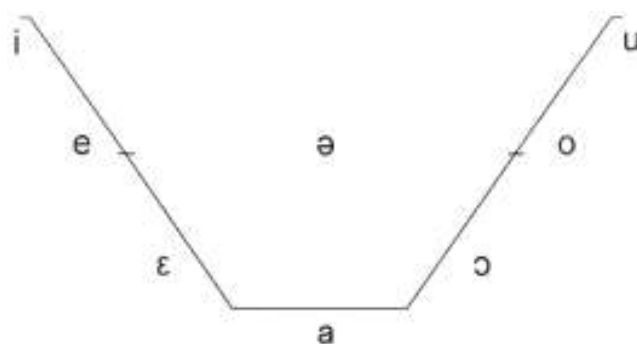
نمودار ۱. تحول نظام آوایی زبان اوستایی

در مراحل ۴، ۵ و ۶ یعنی در پارسی باستان، زبان‌های پارتی و پهلوی سیستم واکه‌ها تقریباً یکی بوده و طرح‌بندی آنها در نمودار ۲ نشان داده می‌شود. به‌خوبی دیده می‌شود که واکه‌های  $a$  و  $\bar{a}$  و  $\bar{e}$  و  $\bar{o}$  در آن دوران در زبان مادری موبدان زردشتیان معمولی وجود نداشت، این است که آنها اصلاً توانایی تلفظ چنین واکه‌هایی را نداشتند و لابد این واکه‌ها آن‌گونه تلفظ نمی‌شد که در زبان اوستایی بود.



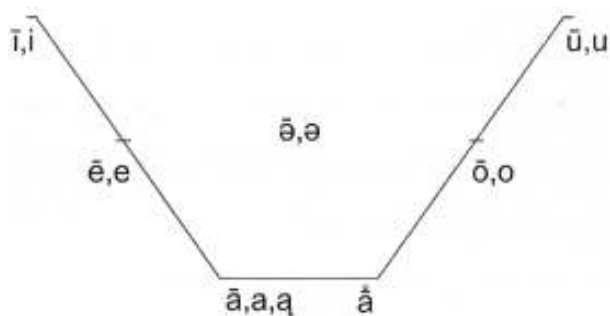
در مرحله ۸ که پس از برقراری اسلام در ایران شروع می‌شود یک شاخه از کارشناسی اوستا به هند (منطقه بمبئی) منتقل می‌گردد. به مرور زمان هندی‌ها زبان اوستایی و طرز خواندن اوستا را یاد می‌گیرند. زبان مادری دستوران، موبدان و طرفداران ساده‌شان گوجراتی - رجستانی می‌شود (این دو زبان در قرن ۱۵ میلادی از هم جدا شدند).

موسیقی آنها هم با موسیقی ایرانی خیلی فرق می‌کند چون از ریشه دیگری سرچشمه می‌گیرد. به‌طور مثال موبدان معاصر ایرانی «آشم وُهو» را به‌صورت سه‌گانه می‌خوانند، در حالی که هندی‌ها از ماژور استفاده می‌کنند. سیستم واکه‌های زبان گجراتی معاصر در نمودار ۳ نشان داده می‌شود.



نمودار ۳. واکه‌های گجراتی.

مطابق قواعد واج‌شناسی گجراتی، هر واکه می‌تواند کوتاه یا بلند، خالص یا خیشومی باشد. از اینجاست که واکه‌های  $\bar{a}$  و  $\bar{ə}$  و  $\bar{ə}$  در زبان اوستایی پیدا شدند که هیچ‌یک از اینها در زبان‌های باستانی ایرانی کشف نشده بود. بعد به احتمال قوی این واکه‌ها به الفبای اوستا اضافه شدند و بدین شکل به دست زبان‌شناسان اروپایی رسیده است. در حال حاضر نظام آوایی اوستا به شکل زیر تعریف می‌شود (نک نمودار ۴). این نظام با پارسی باستان فرق زیاد و با گجراتی معاصر شباهت بسیاری دارد.

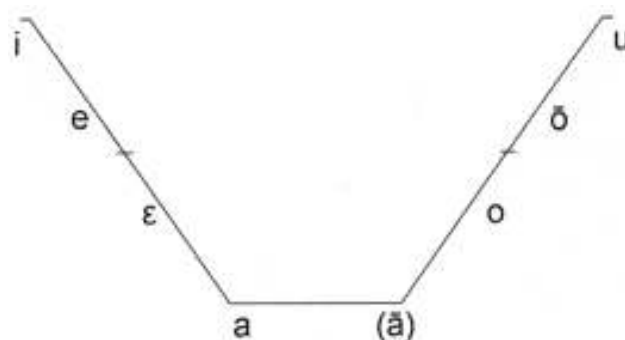


نمودار ۴. واکه‌های اوستایی.

به موازات تحولات سبک هندی در ایران مکتب اجرای اوستا در یزد و کرمان هم وجود دارد که از زمان ساسانیان تا امروز سینه به سینه انتقال یافته است (نک نمودار ۱). موبدان و



بهدینان آنجا علاوه بر فارسی بر زبان دری یزد و کرمان تسلط دارند. نظام آوایی دری در نمودار ۵ نشان داده می‌شود.



نمودار ۵. واکه‌های زبان دری بهدینان یزد و کرمان.

در زبان گجراتی مصوت‌های دو آوایی وجود ندارد. آن‌گونه که تحلیل صوتی نشان می‌دهد جایی که موبدان ایرانی دو آوای پایین‌گرای ai را با i کوتاه می‌خوانند، موبدان هندی āē را با ē بلند می‌خوانند. اصلاً [تلفظ ē] غیرممکن است و در هیچ زبان دیگری در جهان رایج نیست. یعنی در این مورد هندی‌ها برای سهولت اجرا از دستگاہ واجی خودشان استفاده می‌کنند و دو آوا را با دو واکه جداگانه تعویض می‌کنند.

موبدان ایرانی حتی آنهایی که در هند درس خوانده‌اند گرچه سعی و کوشش می‌کنند واکه‌های a, ē و ā را تلفظ نکنند، نمی‌توانند این کار را انجام بدهند و به‌جای آنها فقط a, ē و ā ساده فارسی را ادا می‌کنند. به‌جای θ فقط t را تلفظ می‌کنند با وجود آنکه می‌دانند که این همخوان «مثل th انگلیسی است».

توضیحات فوق نشان می‌دهد که تصورات دانشمندان اروپایی در مورد نظام آوایی اوستا، تحت تأثیر زبان گجراتی قرار گرفته است. متأسفانه زبان‌شناسان اروپایی به شاخه ایرانی تلفظ اوستایی کم توجه می‌کنند و ما تاکنون تحقیقاتی مقایسه‌ای درباره دو شاخه موجود در دست نداریم.